

خوانشی نظام‌ساز از مهاده در فقه حکومتی امام خامنه‌ای

علی کارشناس^۱

چکیده

مهاده، به‌عنوان یکی از ابواب فقه الجهاد، در پی گسترش روابط بین‌الملل و تأسیس دولت اسلامی، از مسئله‌ای فقهی به امری حاکمیتی و نظام‌ساز تبدیل شده است. پژوهش پیش‌رو با روش اجتهادی - استدلالی و مبتنی بر فقه جواهری، به تبیین خوانشی نظام‌ساز از مهاده با تأکید بر آرای فقهی امام خامنه‌ای می‌پردازد. پرسش اصلی مقاله این است که «مهاده در فقه حکومتی امام خامنه‌ای با چه خوانشی واجد ظرفیت نظام‌سازی است؟» برای پاسخ به این پرسش، پس از مفهوم‌شناسی و بررسی عناصر ماهوی مهاده در فقه جواهری، رویکرد فقه‌های پیشین و امام خامنه‌ای به‌صورت تطبیقی تحلیل می‌شود.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در اندیشه‌ی امام خامنه‌ای، مهاده از چارچوب صرفاً قراردادی فقه فردی فراتر رفته و در چارچوب فقه حکومتی، به یکی از ابزارهای تصمیم‌گیری راهبردی حکومت اسلامی تبدیل می‌شود. این خوانش نوین، مهاده را از یک عقد فقهی به قاعده‌ای حکومتی ارتقا می‌دهد که چهار ویژگی اساسی دارد: قاعده‌محوری در چارچوب اهداف کلان نظام اسلامی؛ توسعه‌ی مصداقی مصلحت از میدان نبرد به عرصه‌ی کلان نظام؛ گسترش کارکردهای مهاده به‌عنوان ابزاری راهبردی در سیاست خارجی؛ و ارتقای نقش ولیّ فقیه از مرجع صدور مجوز شرعی برای انعقاد مهاده به مرجع تشخیص مصلحت کلان نظام. این مقاله با رویکردی تطبیقی و مستند، توسعه‌ی مصداقی مصلحت و ارتقای کارکرد ولایت را در اندیشه‌ی امام خامنه‌ای بررسی و تبیین می‌کند. نوآوری پژوهش در بازخوانی و بازصورت‌بندی تطبیقی کارکردهای معاصر مهاده در چارچوب فقه حکومتی امام خامنه‌ای، با روشی تحلیلی - استدلالی، است.

واژگان کلیدی: مهاده، فقه نظام‌ساز، ولایت فقیه، مصلحت نظام، امام خامنه‌ای،

نفی سبیل.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام)، قم، ایران.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۸ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۶

۱. مقدمه

در فقه اسلامی به‌مثابه دانشی پویا و پاسخ‌گو، همواره ظرفیت تولید نظریه در عرصه‌های فردی و اجتماعی را داشته است. یکی از مهم‌ترین بسترهای این پویایی، عرصه «فقه حکومتی» و «فقه نظام‌ساز» است که در آن، احکام شرعی نه در خلأ، بلکه در چارچوب نظام‌مند جامعه و دولت اسلامی معنا می‌یابند. یکی از مسائل کلیدی در این عرصه، موضوع «مهادنه» یا صلح موقت با دشمنان جنگی است که در ادبیات فقهی، از ابواب جهاد به‌شمار می‌رود، اما در روزگار حاضر، با مفاهیمی چون آتش‌بس، پیمان‌های عدم تعرض و دیپلماسی گره خورده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۳). آنچه در بازخوانی فقهی مهادنه با چالش روبه‌روست، گذار از نگاه سنتی مبتنی بر عقدی فرعی به نگاه قاعده‌ای کلان در فقه حاکمیتی است. با تحول مفهوم دولت و گسترش روابط بین‌الملل، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که آیا می‌توان مهادنه را به‌عنوان ابزاری راهبردی برای مدیریت منازعات و تنظیم مناسبات خارجی در افقی فراتر از وضعیت موقت جنگی به کار گرفت؟ در این میان، آیت‌الله خامنه‌ای با محوریت «ولایت فقیه» و «مصلحت نظام»، در مقاله‌ی خود با عنوان «مهادنه (قرارداد ترک مخاصمه و آتش‌بس)» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶) و نیز در کتاب «ثلاث رسائل فی‌الجهاد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶)، ضمن ارائه چارچوبی نظام‌ساز، به این چالش پاسخ داده‌اند.

امام خامنه‌ای در درس خارج فقه خود در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ شمسی، به‌تفصیل به مبحث جهاد و از جمله مهادنه پرداخته‌اند. ایشان با اشراف کامل بر آرای فقیهان پیشین و با رویکردی اجتهادی و نظام‌نگر، به بازخوانی این باب فقهی همت گماشته‌اند. حاصل این مباحث در قالب کتاب «ثلاث رسائل فی‌الجهاد» شامل سه رساله «امان»، «الصباينة» و «المهادنة» تدوین و منتشر شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶). ایشان همچنین مقاله‌ی مستقلی با عنوان «مهادنه (قرارداد ترک مخاصمه و آتش‌بس)» را در شماره ۱۱-۱۲ مجله «فقه اهل بیت (ع)» به چاپ رسانده‌اند که از مهم‌ترین منابع برای فهم دقیق دیدگاه فقهی ایشان در این موضوع به‌شمار می‌رود (خامنه‌ای، ۱۳۷۶).



بر این اساس، سؤال اصلی مقاله به این صورت صورت‌بندی می‌شود: «در فقه حکومتی امام خامنه‌ای، مهاده با چه خوانشی نظام‌ساز است؟» برای نیل به پاسخ این سؤال محوری، پرسش‌های فرعی زیر در ساختار مقاله پیگیری می‌شوند:

۱. مفهوم‌شناسی و عناصر ماهوی عقد مهاده از منظر فقه جواهری با تأکید بر آرای فقهای پیشین و امام خامنه‌ای چیست و این عناصر چه نسبتی با نظام‌سازی دارند؟

۲. ادله‌ی جواز مهاده در چارچوب خوانش نظام‌ساز چگونه تفسیر می‌شوند و چه پیوندی با نقش حاکم و مصلحت کلان دارند؟
۳. کاربردهای معاصر مهاده در چارچوب فقه حکومتی چگونه قابل بازصورت‌بندی است و چه پیامدهایی برای فقه حکومتی دارد؟

۲. مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق

۲-۱. جایگاه فقه نظام‌ساز در بازخوانی مهاده

فقه نظام‌ساز، رویکردی نوین در دانش فقه است که احکام شرعی را نه به‌صورت جزیره‌ای و منفک از یکدیگر، بلکه در چارچوب یک نظام منسجم و هماهنگ بررسی کرده و در پی «کشف روابط»، «شناخت اهداف نظام» و «تحلیل کارکردی احکام» در یک کل واحد است. این رویکرد که ریشه در نگاه کلان‌نگرانه خود شریعت دارد، بر این باور است که احکام الهی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که در تعامل با یکدیگر، نظامی هماهنگ و کارآمد را شکل دهند که غایت آن، تحقق قسط و عدل و عزت امت اسلامی است (موسویان، ۱۴۰۱، ص ۴۵).

تمایز بنیادین فقه نظام‌ساز با فقه سنتی در این است که فقه سنتی عمدتاً به استنباط حکم شرعی برای فعل مکلف می‌پردازد، درحالی‌که فقه نظام‌ساز علاوه بر آن، به تحلیل کارکردی احکام در نظام اجتماعی و کشف روابط میان آن‌ها نیز توجه دارد. به‌عبارت‌دیگر، فقه نظام‌ساز در پی آن است که نشان دهد چگونه مجموعه احکام شرعی در کنار یکدیگر، نظامی کارآمد برای مدیریت جامعه اسلامی فراهم می‌آورند. بر اساس این رویکرد، هر حکم فقهی در تعامل با سایر احکام و در راستای

تحقق اهداف کلان شریعت - که همانا برقراری قسط و عدل، عزت امت اسلامی، و تعالی جامعه‌ی انسانی است - معنا و کارآمدی خود را می‌یابد. بازخوانی نهاد مهاده در پرتو فقه نظام‌ساز، آن را از یک «عقد فقهی» به «ابزاری راهبردی در نظام سیاسی-اجتماعی اسلام» ارتقا می‌دهد (موسویان، ۱۴۰۱، ص ۴۵).

اهمیت این بازخوانی از آن روست که فقه اهل‌بیت (ع) امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند پاسخگویی به پرسش‌های مستحدثه و نیازهای عصر خویش است تا حاکمیت خود را در عرصه جامعه حفظ کند. مهاده به‌عنوان یکی از مباحث کلیدی در فقه روابط بین‌الملل، ظرفیت بالایی برای مدیریت منازعات معاصر و کاهش تنش‌های منطقه‌ای دارد.

۲-۲. پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی موضوع مهاده، آثار متعددی در قالب کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی-پژوهشی نگاشته شده است. نکته‌ی مهم در پیشینه‌شناسی، تفکیک میان «مهاده» (صلح موقت) و «صلح دائم» است؛ زیرا برخی آثار موجود، به‌ویژه در پژوهش‌های حقوقی و سیاسی، میان این دو خلط کرده‌اند. باین حال، بررسی آثار به شرح زیر است:

الف) کتب و منابع مکتوب

۱. کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶): این کتاب که شامل سه رساله «امان»، «الصابنة» و «المهادنة» است، حاصل درس خارج فقه امام خامنه‌ای در سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۷۳ شمسی است. ایشان در این کتاب با روش اجتهادی جواهری و با رویکردی نظام‌نگر، به بازخوانی جامع ابواب جهاد پرداخته‌اند. این کتاب، منبع اصلی فهم دیدگاه امام خامنه‌ای در باب مهاده است.

۲. کتاب «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام» (نجفی، ۱۴۰۴): این کتاب که مهم‌ترین منبع فقهی امامیه در باب مهاده به‌شمار می‌رود، به‌تفصیل به شروط و احکام مهاده پرداخته است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، کتاب الجهاد، باب المهادنة، ص ۲۸۶-۳۰۰). این کتاب به‌عنوان منبع اصلی برای شناسایی رویکرد فقهای پیشین به



مهاده استفاده شده است.

۳. کتاب «المبسوط فی فقه الإمامیة» (طوسی، ۱۴۱۸ق): شیخ طوسی در این کتاب، مهاده را به‌عنوان «کنار گذاشتن جنگ و رها کردن نبرد تا مدتی» تعریف کرده و بر جنبه عقدی و موقت آن تأکید دارد (طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۵). این کتاب از مصادر اولیه فقهی در تعریف و تبیین ماهیت مهاده است.

۴. کتاب «ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق): صاحب ریاض با رویکردی اصولی و استدلالی، به بررسی شروط مهاده از جمله مصلحت و ولایت پرداخته است. وی لزوم تشخیص مصلحت را از مناسبت حکم و موضوع و نیز حکم عقل به وجوب رعایت حکمت، استنباط کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۵۷-۸۱). این کتاب از منابع مهم در شناسایی رویکرد فقه‌های پیشین به شرط مصلحت است.

۵. کتاب «کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام» (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق): فاضل هندی در این کتاب، ضمن تعریف دقیق مهاده، بر شرط ولایت به‌عنوان شرط صحت عقد تأکید کرده است (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۲۰). این کتاب از منابع مهم در تبیین شرط ولایت در مهاده است.

۶. کتاب «کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق): کاشف الغطاء با تأکید بر اینکه عقد مهاده جز برای امام یا نائب خاص یا عام او جایز نیست، نگاه ولایت‌محوری به مهاده دارد و آن را از اختیارات حاکم شرعی می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۵۱).

۷. کتاب «تذکره الفقهاء» (علامه حلی، ۱۴۲۰ق): علامه حلی با رویکردی استدلالی، بر شرط ولایت در انعقاد مهاده تأکید کرده و آن را از اختیارات امام یا نائب او دانسته است (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، کتاب الجهاد، باب المهاده، ص ۴۲۰-۴۲۵).

ب) مقالات علمی-پژوهشی

۱. مقاله «مهاده (قرارداد ترک مخاصمه و آتش‌بس)» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، فصلنامه‌ی فقه اهل بیت (ع)، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۳-۱۲۰): این مقاله که خود از مصادر اصلی پژوهش

حاضر است، از نظر روش‌شناختی، دارای سه ویژگی برجسته است: (۱) التزام به روش اجتهاد جواهری در استنباط؛ (۲) توجه به پیامدهای عملی فتوا؛ (۳) نگاه نظام‌ساز به مهاده و احراز مصلحت نظام به‌عنوان شرط اساسی. این مقاله، منبع اصلی فهم دیدگاه امام خامنه‌ای است.

۲. مقاله «مفهوم، شروط و محدودیت‌های عقد هدنه در فقه امامیه» (حق‌جو، ۱۴۰۴، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۱۳۱، ص ۶۱-۸۴): این مقاله به توصیف شروط و محدودیت‌های عقد هدنه در فقه امامیه پرداخته، اما با وجود پتانسیل مناسب برای تحلیل نظام‌ساز، از تبیین نسبت این شروط با نظام حکمرانی اسلامی و نقش ولایت فقیه در تشخیص مصلحت کلان نظام به‌عنوان شرط اساسی مهاده غفلت کرده است.

۳. مقاله «دلایل مشروعیت قرارداد ترک مخاصمه (هدنه)» (ابوالحسینی، ۱۳۸۹، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ش ۲۱، ص ۱۱-۳۲): این مقاله هرچند ادله مشروعیت مهاده را به‌خوبی بررسی کرده است؛ اما از تبیین نسبت میان این ادله با نظام حکمرانی اسلامی و نقش حاکم در تشخیص مصلحت غفلت کرده است و رویکردی صرفاً توصیفی-استدلالی دارد.

۴. مقاله «هدنه در فقه و حقوق بین‌الملل» (محقق داماد، ۱۳۸۵، مجموعه مقالات فقه و حقوق بین‌الملل، ج ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ص ۱۵۳-۱۷۸): این مقاله با وجود بررسی تطبیقی ارزشمند میان فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل، به ابعاد نظام‌سازی مهاده در چارچوب فقه حکومتی و نقش ولی فقیه در تشخیص مصلحت کلان نظام نپرداخته است.

ج) پایان‌نامه‌ها

۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی فقهی عقد مهاده» (رضانیا، ۱۳۹۴، دانشگاه مازندران): این پایان‌نامه به بررسی فقهی عقد مهاده پرداخته، اما عمدتاً رویکردی توصیفی-نقلی دارد و از تحلیل نظام‌ساز غافل است.

۲. پایان‌نامه دکتری «توافق آتش بس در حقوق بین‌الملل از منظر فقه اسلامی»



(کرمی، ۱۳۹۲، دانشگاه تهران): این پژوهش بیشتر بر تطبیق مهاده با حقوق بین‌الملل تمرکز دارد و به ابعاد نظام‌سازی در فقه حکومتی پرداخته است.

۳. رساله سطح چهار حوزه «قرار داد آتش بس از منظر فقه اسلامی» (موسوی، ۱۳۹۳، مرکز تخصصی فقه): این رساله به بررسی فقهی قرارداد آتش بس پرداخته، اما رویکردی سنتی و فاقد نگاه نظام‌ساز دارد.

۴. پایان‌نامه «پژوهشی در مهاده (ترک محاصره) از دیدگاه اسلام» (سلطانی، ۱۳۹۱، دانشگاه ادیان و مذاهب): این پایان‌نامه به پژوهش در مهاده از دیدگاه اسلام پرداخته، اما رویکردی توصیفی و غیرتحلیلی دارد و به ابعاد حکومتی مهاده پرداخته است.

۵. رساله سطح سه «احکام شروط و قلمرو عقد مهاده» (مهدوی، ۱۳۹۵، مرکز مدیریت حوزه علمیه خاهران قم): این رساله به بررسی احکام و شروط عقد مهاده پرداخته، اما رویکردی سنتی و فاقد نگاه نظام‌ساز دارد و از نقش حاکم در تشخیص مصلحت کلان غافل است.

۲-۳. رویکرد فقه‌ای پیشین به مهاده

فقه‌ای امامیه در طول تاریخ، هر یک با رویکرد خاص خود به بررسی مهاده پرداخته‌اند. در ادامه، به مهم‌ترین آرای فقه‌ای پیشین در باب مهاده اشاره می‌شود:

۱. شیخ طوسی (المبسوط): ایشان مهاده را به عنوان «کنار گذاشتن جنگ و رها کردن نبرد تا مدتی» تعریف کرده و بر جنبه عقدی و موقت آن تأکید دارد (طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۵).

۲. محقق حلی (شرایع الإسلام): ایشان در تعریف مهاده می‌نویسد: «المهادنة وهي المعاهدة على ترك الحرب مدة معينة». ایشان بر قید «مدت معین» تأکید دارد. ایشان در تبیین شرط مصلحت، با وجود به کارگیری تعبیر عام «مصلحة للمسلمین»، در مقام تعیین مصداق، آن را به مواردی چون «قلتهم عن المقاومة» (کمی سپاه برای مقاومت)، «ما یحصل به الاستظهار» (کسب قوت) و «رجاء الدخول فی الإسلام» (امید به اسلام آوردن دشمن) محدود می‌سازد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۴).

این عبارت نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت عام عبارت، نگاه ایشان در تطبیق، مصلحت را در چارچوب میدان نبرد معنا کرده است.

۳. علامه حلی (تذکره الفقهاء): ایشان بر شرط ولایت تأکید کرده و آن را از اختیارات امام یا نائب او دانسته است (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۲۰). ایشان در تبیین شرط ولایت می‌نویسد: «لأن عقد الذمة من الأمور العظام المشتملة على ترك الجهاد واستيفاء الجزية، فلا بد فيه من رعاية المصلحة، والإمام أعرف بها» (همان، ص ۴۲۱). اگرچه تعبیر «للمسلمین» در کلام ایشان ظرفیت توسعه دارد، اما ایشان نیز مصلحت را در چارچوب «ترك الجهاد» و «استيفاء الجزية» معنا می‌کند که ناظر به وضعیت جنگی است.

۴. فاضل هندی (كشف اللثام): ایشان بر شرط ولایت به عنوان شرط صحت عقد تأکید کرده و می‌نویسد: «ولا يصح عقدها إلا من إمام، أو نائبه الخاص أو العام» (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۲۰).

۵. صاحب جواهر (جواهر الکلام): ایشان در تعریف مهاده می‌نویسد: «هی المعاهدة على ترك الحرب مدة معينة» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۲۸۶). ایشان در باب شرط مصلحت، از تعبیر بسیار مهم و موسع «مصلحت الإسلام و المسلمین» استفاده کرده است که از حیث مفهومی، کاملاً ظرفیت تفسیر کلان‌تر را دارد (همان، ص ۲۹۴). باین حال، ایشان در ادامه و در تبیین مصادیق آن، به مواردی چون «قِلَّة عَدَدِ الْمُسْلِمِينَ» و «رَجَاءُ دُخُولِهِمْ فِي الْإِسْلَام» اشاره می‌کند (همان، ص ۲۹۳) که نشان می‌دهد با وجود به کارگیری لفظ موسع، در مقام تطبیق، مصلحت را عمدتاً در چارچوب وضعیت میدان نبرد معنا کرده‌اند.

۶. کاشف الغطاء (كشف الغطاء): ایشان با تأکید بر اینکه عقد مهاده جز برای امام یا نائب خاص یا عام او جایز نیست، آن را از اختیارات حاکم شرعی می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۵۱).

۷. صاحب ریاض (ریاض المسائل): ایشان در تبیین ضابطه مصلحت می‌نویسد: «و يُعْتَبَرُ فِي جَوَازِهَا مَصْلَحَةُ الْمُسْلِمِينَ، وَ لَا تَكُونُ الْمَصْلَحَةُ إِلَّا بِرِعَايَةِ خَالِ الْحَرْبِ...» (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۶۲). این عبارت به روشنی نشان می‌دهد که



ایشان مصلحت را با «حال جنگ» گره زده‌اند.

آنچه از بررسی عبارات فقهای پیشین (به‌ویژه محقق حلی، علامه حلی و صاحب جواهر) به دست می‌آید، این است که اگرچه ایشان از تعبیر عام و موسعی چون «مصلحت للمسلمین» یا «مصلحت الإسلام و المسلمین» استفاده کرده‌اند که ظرفیت توسعه را دارد، اما در مقام تطبیق و تعیین مصداق، همواره مصلحت را به امور مرتبط با میدان نبرد (ضعف سپاه، قلت عدد، رجاء اسلام و...) محدود ساخته‌اند. این نشان می‌دهد که در نگاه ایشان، مهاده یک نهاد نظامی بوده است.

۲-۴. تمایزات اساسی در خوانش امام خامنه‌ای (توسعه‌ی مصداقی و تعمیم حکومتی)

برای اثبات ادعای اصلی مقاله مبنی بر توسعه مفهوم و مصداق مصلحت و ارتقای کارکرد ولایت در اندیشه امام خامنه‌ای، به‌طور مستقیم عبارات فقهای پیشین و ایشان را به‌صورت تطبیقی مقایسه می‌کنیم. آنچه در اینجا نمایان می‌شود، نه «تضاد مفهومی»، بلکه «توسعه مصداقی» و «تعمیم حکومتی» است که در اندیشه امام خامنه‌ای رخ داده است:

۱. گستره و مصادیق مصلحت: محقق حلی و صاحب جواهر با وجود استفاده از تعبیر عام (مانند «مصلحت للمسلمین»)، در مقام تطبیق، مصلحت را صرفاً به مصادیق نظامی محدود کرده‌اند؛ از جمله: «قلتهم عن المقاومة»، «ما يحصل به الاستظهار»، «رجاء الدخول في الإسلام» و «قلة عدد المسلمین» (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۲۹۳). امام خامنه‌ای با پذیرش اصل مصلحت، مصادیق آن را به‌طور چشمگیری توسعه داده‌اند. ایشان در تبیین مصادیق مصلحت، به مواردی چون «ایجاد فرصت برای بازسازی قوای نظامی» و «مدیریت افکار عمومی» تصریح دارند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۱۰ و ۱۲). همچنین به «فراهم‌سازی زمینه‌های دیپلماتیک»، «کسب فرصت برای توسعه اقتصادی» و «مدیریت راهبردی منازعات» تأکید می‌کنند (همان، ص ۹-۱۲ و ص ۵۹-۶۰).

به‌عبارت دیگر، ایشان با توسعه مصداقی، مصلحت را از انحصار میدان نبرد خارج کرده و به تمام شئون حکمرانی اسلامی تعمیم داده‌اند.

۲. کارکرد ولایت: فاضل هندی و علامه حلی، ولایت را به‌عنوان «شرط صحت» عقد و ناظر بر اجرای آن در وضعیت جنگی مطرح کرده‌اند (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۲۰؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۲۱). امام خامنه‌ای: ولایت فقیه به‌عنوان «مرجع تشخیص مصلحت کلان نظام» و «تصمیم‌گیرنده راهبردی» در عرصه سیاست خارجی ایفای نقش می‌کند. ایشان می‌فرمایند: «مهادنة إنما تكون بيد الإمام، ولا يملكها غيره» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۰۰) و این اختیار، فراتر از یک شرط شکلی، مبنای مشروعیت و کارآمدی مهادنه در عرصه حکمرانی است. در این خوانش، ولایت از یک «شرط صحت» به «مرجعیت راهبردی» ارتقا می‌یابد.

۳. بسط کاربردها: کاربرد مهادنه به وضعیت موقت میدان نبرد و دفع ضرر فوری نظامی محدود بوده است. امام خامنه‌ای آن را به ابزاری برای «مدیریت راهبردی منازعات»، «تنفس راهبردی» و «ابزاری در سیاست خارجی» برای دستیابی به اهداف بزرگ‌تر نظام اسلامی گسترش می‌دهند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۵۹-۶۰). نتیجه آنکه فقه‌های پیشین با وجود استفاده از الفاظ عام، در مقام تطبیق، مصلحت را به امور نظامی محدود ساخته‌اند، اما امام خامنه‌ای با توسعه مصداقی، مصلحت را به تمام عرصه‌های حکمرانی (سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و بین‌المللی) تعمیم داده‌اند. ازاین‌رو، ادعای مقاله مبنی بر اینکه مهادنه از چارچوب صرفاً قراردادی فقه فردی فراتر رفته و در چارچوب فقه حکومتی، به یکی از ابزارهای تصمیم‌گیری راهبردی حکومت اسلامی تبدیل می‌شود، به‌صورت مستند تبیین می‌شود.

۲-۵. نوآوری پژوهش

با مرور پیشینه و مطالب پیش‌گفته، روشن می‌شود که تاکنون هیچ‌یک از آثار موجود، به‌طور هم‌زمان واجد سه مؤلفه اساسی زیر نبوده‌اند: اول: روش اجتهادی جواهری همراه با نگاه تطبیقی-نظام‌ساز؛ دوم: رویکرد فقه نظام‌ساز؛ سوم: بازخوانی تطبیقی و مستند کاربردهای معاصر مهادنه با تأکید بر توسعه مصداقی مصلحت و ارتقای کارکرد ولایت که در قالب جدول تطبیقی ارائه شد. این مقاله با رویکرد تطبیقی-مستند، توسعه مصداقی مصلحت و ارتقای کارکرد ولایت در اندیشه امام



خامنه‌ای را اثبات می‌کند. نوآوری مقاله در «بازخوانی و بازصورت‌بندی تطبیقی کاربردهای معاصر مهاده در چارچوب فقه حکومتی امام خامنه‌ای» تعریف می‌شود.

۳. مفهوم‌شناسی و عناصر ماهوی عقد مهاده

۳-۱. ماهیت عقد مهاده

«مهاده» و «هدنه» در لغت به معنای سکون، آرامش و صلح است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۴۳۴). امام خامنه‌ای در این باره می‌نویسد: «این لغت در اصل به معنای سکون است و اصطلاحاً برای بیان صلح موقت میان مسلمانان و گروهی از کافران حربی به‌کار می‌رود» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۳). در اصطلاح فقهی، مهاده به معنای صلح موقت میان مسلمانان و گروهی از کافران حربی است که بر اساس آن، طرفین متعهد می‌شوند برای مدتی معین از جنگ و مخاصمه دست کشند.

امام خامنه‌ای با نقد دیدگاه کسانی که ناپایداری را به‌عنوان فارق میان عقد هدنه و عقد جزیه مطرح کرده‌اند، معتقد است که «ناپایداری صلح از علامت‌ها و عوارض مهاده است، نه جزء ذات آن» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۴). از این منظر، اگرچه مهاده در عمل معمولاً موقت است، اما موقت بودن شرط ذاتی آن نیست. این نگاه، گشایشی در تعریف مهاده ایجاد می‌کند و امکان کاربرست آن را در شرایط نوین فراهم می‌آورد. تبیین دقیق نسبت ناپایداری و غیردائمی بودن: به شرح زیر است:

ناپایداری (به معنای کوتاه‌مدت بودن) یک وصف خارجی و غالب برای وضعیت صلح و مهاده است که در عمل معمولاً برای مدت کوتاهی منعقد می‌شود (مانند حداکثر یک سال طبق قول مشهور). این ویژگی، جزء ذات مهاده نیست و اگر فرضاً مهاده‌ای برای مدت طولانی‌تری (مثلاً ۱۰ سال) منعقد شود، باز هم ماهیت مهاده بر آن صادق است. امام خامنه‌ای با عبارت «ناپایداری از عوارض مهاده است» در مقام نقد دیدگاه کسانی هستند که ناپایداری را به‌عنوان فارق میان عقد هدنه و عقد جزیه مطرح کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۴).

غیردائمی بودن (به معنای پایان‌پذیری) عدم قابلیت حمل بر صلح ابدی یا دائمی است؛ مهاده هرچند ممکن است مدت طولانی داشته باشد، اما هرگز یک صلح ابدی و دائمی نیست و قابلیت پایان‌پذیری دارد. این ویژگی، ذات مهاده را تشکیل می‌دهد و آن را از صلح دائم متمایز می‌سازد. با انتزاع این ویژگی، مهاده از ماهیت خود خارج می‌شود.

مدت‌دار بودن، تعیین مدت معین و تعیین بازه زمانی مشخص در عقد مهاده که بر اساس قاعده فقهی «نهی از غرر» و اجماع فقها، شرط صحت عقد محسوب می‌شود، برای جلوگیری از ابهام (غرر) در عقد ضروری است. مبنای فقهی این شرط، قاعده «نهی از غرر» است که از حدیث شریف نبوی «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ بَيْعِ الْغُرَرِ» استفاده می‌شود (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۴۸، الباب ۴۰ من أبواب آداب التجارة، ح ۳). امام خامنه‌ای در تأیید این مطلب می‌نویسد: «لابد من تعیین المدة فی عقد المهادنة، وإلا كان من بيع الغرر» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۵۲).

بنابراین، مهاده عقدی است غیردائم (وصف ذاتی به معنای «دائمی نبودن» و «قابلیت پایان‌پذیری»)، که مدت آن باید به‌طور مشخص تعیین گردد (شرط صحت مبتنی بر قاعده نهی از غرر)، هرچند در عمل اغلب کوتاه‌مدت است (وصف غالب). بدین ترتیب، بین «ناپایداری» و «غیردائمی بودن» تعارضی وجود ندارد.

۳-۲. عناصر اصلی عقد مهاده و نسبت آن با نظام‌سازی

فقه‌های امامیه در تعریف عقد مهاده، بر ارکان و عناصر مشخصی تأکید کرده‌اند. در اینجا، با محور قرار دادن کلام امام خامنه‌ای، عناصر اساسی این عقد و نقش نظام‌ساز هر یک تبیین می‌شود:

اول: طرفین عقد (دلالت بر ولایت حاکم و ماهیت حاکمیتی)

از منظر امام خامنه‌ای، مهاده میان «دولت حربی و ملت پیرو آن» از یک سو و دولت اسلامی از سوی دیگر منعقد می‌شود (ر.ک. خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۲۹). انحصار انعقاد مهاده به «امام یا نائب او» (فاضل هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۲۰) نشان می‌دهد که این عقد، یک کنش حاکمیتی و فراتر از قراردادهای خصوصی اشخاص است. در



خوانش نظام‌ساز، این عنصر، مهاده را به ابزاری در اختیار ولی فقیه تبدیل می‌کند که تشخیص مصلحت جنگ یا صلح، تنها در افق کلان حکمرانی معنا می‌یابد. نکته درخور تأمل آن است که فقهای پیشین نیز بر این عنصر تأکید داشته‌اند، اما رویکرد آنان عمدتاً ناظر به شرط صحت عقد بوده است. در خوانش نظام‌سازِ امام خامنه‌ای، این عنصر فراتر از شرط صحت، به عنوان «مبنای مشروعیت و کارآمدی مهاده» در عرصه حکمرانی مطرح می‌شود (ر.ک. خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۰۰).

دوم: موضوع عقد (دلالت بر تفکیک راهبردی صلح موقت از سازش دائم)
موضوع عقد مهاده، ترک جنگ و مخاصمه تا مدت معین است. نکته اساسی که امام خامنه‌ای بر آن تأکید دارند، این است که ترک مخاصمه در مهاده به معنای صلح کامل و سازش نیست، بلکه صرفاً توقف موقت عملیات نظامی است. از منظر نظام‌سازی، مهاده نه یک نقطه پایان مقاومت، بلکه «نفس‌گیری راهبردی» برای بازسازی قوا و مدیریت بحران‌ها در چارچوب حفظ عزت اسلامی است.

سوم: مدت عقد (دلالت بر پویایی و مصلحت‌سنجی مستمر حاکم)
مهاده عقدی موقت است و برای مدت معینی منعقد می‌شود. همان‌گونه که در بخش ۳-۱ به تفصیل تبیین شد، «موقت بودن» در سه سطح معنا می‌یابد: در سطح ذاتی به معنای «غیردائم بودن» (وصف ذات)، در سطح شرط صحت به معنای «تعیین مدت معین» (مبتنی بر قاعده نهی از غرر)، و در سطح وصف غالب به معنای «کوتاه مدت بودن». از منظر فقه نظام‌ساز، قید مدت، ابزاری برای پویایی و انعطاف‌پذیری نظام اسلامی در مدیریت منازعات است؛ زیرا به حاکم اسلامی این اختیار را می‌دهد که در چارچوب مصلحت‌سنجی مستمر نظام، نسبت به تمدید، نسخ یا تغییر شرایط مهاده اقدام کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۴).

چهارم: جنبه عهد و پیمان (دلالت بر کارآمدی و اعتمادآفرینی نظام اسلامی)
عقد مهاده جنبه عهد و پیمان دارد و طرفین ملزم به وفای به آن هستند. امام خامنه‌ای با استناد به آیهی شریفه (فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ)

(توبه: ۴)، بر لزوم وفای به عهد تأکید می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۰۱). در خوانش نظام‌ساز، التزام به این پیمان، اعتماد سیاسی نظام را در میان جامعه جهانی استحکام می‌بخشد.

با تأمل در عناصر چهارگانه، روشن می‌شود که مهاده در منظومه فکری امام خامنه‌ای، فراتر از یک عقد فقهی صرف، «نهادی راهبردی در تراز حاکمیت اسلامی» است.

۴. ادله‌ی جواز مهاده در چارچوب خوانش نظام‌ساز

ادله‌ی جواز مهاده، ضمن اثبات مشروعیت اصل آن، شرایط و محدودیت‌هایی را ترسیم می‌کنند که با خوانش نظام‌ساز هماهنگی کامل دارد. در اینجا به مهم‌ترین ادله با تأکید بر پیوند آن‌ها با نظام‌سازی اشاره می‌شود:

۴-۱. ادله‌ی قرآنی

۱. آیه‌ی شریفه (وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا) (انفال: ۶۱)

صاحب جواهر اصل جواز مهاده را به استناد این آیه و اجماع فقها اثبات می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۲۹۳). از اطلاق واژه «سلم» و امر «فَاجْنَحْ» استفاده می‌شود که آیه شامل تمام انواع کفار می‌شود و زمان و مکان خاصی در آن لحاظ نشده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۰۵-۲۱۰).

پیوند با نظام‌سازی: اطلاق این آیه به ولی فقیه اجازه می‌دهد که با توجه به مصالح کلان نظام، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، از این ابزار راهبردی بهره گیرد. مطابق نظریه تقیید که در کلام جمعی از فقهای امامیه از جمله شیخ طوسی، علامه حلی و صاحب جواهر به‌روشنی تبیین شده است، آیات جهاد با ظهور ادله صلح مقید می‌شوند. شیخ طوسی در المبسوط در این باره می‌نویسد: «و هذه الآية دالة على أن القتال مأمور به، و لكن إذا جنحوا للسلام وجب القبول» (طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۸). علامه حلی نیز در تذکرة الفقهاء می‌نویسد: «و الأدلة الدالة على وجوب القتال مطلقة، ولكنها مقيدة بآية السلم إذا جنحوا» (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۲۵). صاحب جواهر نیز می‌نویسد: «و الآية دالة على أن القتال مشروط بعدم جنوحهم إلى السلم، فإن جنحوا



وجوب القبول» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۲۹۵). بنابراین، اصل بر جهاد است و مهادنه استثنایی مبتنی بر مصلحت کلان است که با رویکرد نظام‌ساز هماهنگی کامل دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۰۵-۲۱۰).

۲. آیه‌ی وفای به عهد (... فَأَتِمُوا إِلَیْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ...) (توبه: ۴)

مقتضای اطلاق این آیه، وفای به عهد با تمام مشرکان تا پایان مدت معین است. امام خامنه‌ای به این آیه استناد کرده و بر لزوم وفای به عهد تأکید می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۰۱). علامه حلی نیز در تذکرة الفقهاء به همین آیه استناد کرده است (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۲۰).

پیوند با نظام‌سازی: این آیه بر «اعتبار بین‌المللی عهد» و «لزوم پابندی دولت اسلامی به تعهدات خود» دلالت دارد که خود عاملی برای «تقویت اعتماد بین‌المللی» و «مدیریت راهبردی مناسبات خارجی» به‌شمار می‌آید.

۳. آیه‌ی نبذ عهد در صورت خیانت (وَأَمَّا خَائِفٌ مِّن قُوَّةِ رَبِّهِ فَانْبَذَ إِلَیْهِمْ...) (انفال/ ۵۸)

این آیه، جواز فسخ پیمان را در صورت خوف خیانت، با اعلام قبلی به طرف مقابل، اثبات می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۲۸۶).

پیوند با نظام‌سازی: این آیه به دولت اسلامی اجازه می‌دهد که در صورت مشاهده قرائن خیانت، با رعایت اصول اخلاقی، از تعهد خود خارج شود که خود «ابزاری بازدارنده» در مدیریت راهبردی منازعات است (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۴۵-۴۸).

۴-۲. ادله‌ی روایی

۱. سیره‌ی قطعی نبوی در پیمان حدیبیه

مهم‌ترین دلیل بر جواز مهادنه، سیره عملی پیامبر اکرم (ص) در پیمان حدیبیه است. امام خامنه‌ای با اشاره به این واقعه، آن را به‌عنوان الگویی کامل برای مهادنه معرفی می‌کنند. ایشان خود تصریح می‌کنند: «المهادنة لابد أن تكون من موقع القوة و العزة، لا من موقع الضعف و الذلة» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۱۸).

پیوند با نظام‌سازی: پیمان حدیبیه یک «الگوی راهبردی» در مدیریت منازعات است که نشان می‌دهد مهادنه می‌تواند به‌عنوان «تنفس راهبردی» برای دستیابی به اهداف بزرگ‌تر به‌کار رود.

۲. عهدنامه‌ی امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر

امام علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحاً دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَلِلَّهِ فِيهِ رِضًى، فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً لِجُنُودِكَ وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

پیوند با نظام‌سازی: این عهدنامه، «حکمت و فلسفه صلح» (آسایش سپاهیان، کاهش فشار، امنیت بلاد) را که مصادیقی از «مصلحت کلان نظام» هستند، تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری در باب صلح، یک «عمل حاکمیتی» است (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۴۰-۴۵).

۵. شروط و محدودیت‌های عقد مهاده در فقه نظام‌ساز

فقه‌های امامیه برای عقد مهاده شروط و محدودیت‌هایی قائل شده‌اند که رعایت آنها برای صحت و مشروعیت این عقد ضروری است. آنچه در اینجا در چارچوب خوانش نظام‌ساز مورد تأکید قرار می‌گیرد، تفاوت در «گستره شروط» و «معیار تشخیص» آنهاست.

الف) لزوم مصلحت نظام (با تأکید بر نگاه حکومتی)

جواز مهاده مشروط به آن است که دارای مصلحت باشد. امام خامنه‌ای در این باره می‌نویسد: «عقل به صراحت حکم می‌کند که این شرط مقتضای حکمت است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۸). صاحب جواهر نیز با اشاره به این شرط می‌نویسد: «بَلْ لَا يَبْعُدُ الْجَوَازُ مَعَ الْمَصْلَحَةِ لِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ أَيْضاً» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۲۹۴). علامه حلی نیز در تذکرة الفقهاء بر لزوم رعایت مصلحت تأکید کرده و می‌نویسد: «لا بد فيه من رعاية مصلحة المسلمين والنظر لهم» (حلی، ۱۴۰۲، ج ۹، ص ۴۲۱).

تمایز اساسی در خوانش نظام‌ساز، در «گستره مصلحت» است. در حالی که در خوانش فقه‌های پیشین، مصلحت عمدتاً در چارچوب وضعیت موقت میدان نبرد (همچون دفع ضرر فوری، ضعف سپاه، رجاء اسلام) مطرح بوده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۴؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۲۹۳)، امام خامنه‌ای با اشاره به



مصادیق گوناگون مصلحت (همچون ایجاد فرصت برای توسعه اقتصادی و علمی، و تقویت جایگاه بین‌المللی دولت اسلامی) که در مقاله خود برمی‌شمارند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۹-۱۲)، چنین استنباط می‌شود که مصلحت در گستره‌ای فراتر از میدان نبرد معنا می‌یابد. بنابراین، مصلحت در این خوانش، یک «فرایند مستمر و راهبردی» در چارچوب اهداف کلان نظام است.

ب) ولایت حاکم اسلامی

انعقاد مهادنه از اختیارات امام یا حاکم اسلامی است. امام خامنه‌ای در این باره به صراحت می‌فرماید: «المهادنة إنما تكون بيد الإمام، ولا يملكها غيره» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۰۰). فقهای پیشین نیز بر این شرط تأکید داشته‌اند؛ چنان‌که فاضل هندی می‌نویسد: «ولا يصح عقدها إلا من إمام، أو نائبه الخاص أو العام» (فاضل هندی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۲۰) و کاشف الغطاء می‌گوید: عقد مهادنه جز برای امام یا نائب خاص یا عام او جایز نیست (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۵۱). علامه حلی نیز در تذکرة الفقهاء می‌نویسد: «ويشترط في صحة عقد الذمة... أن يتولاه الإمام أو من يأذن له لأنه من الأمور العظام» (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۲۱).

اما تمایز در خوانش نظام‌ساز، در «کارکرد ولایت» است. در خوانش فقهای پیشین، ولایت به‌عنوان شرط صحت انعقاد مطرح است، اما در خوانش نظام‌ساز، ولایت فقیه به‌عنوان «مرجع تشخیص مصلحت کلان نظام» و «تصمیم‌گیرنده راهبردی» در عرصه سیاست خارجی ایفای نقش می‌کند.

به باور امام خامنه‌ای، بنابر اصل ولایت عامه فقیه در زمان غیبت، ولایت او مانند ولایت شخص امام است و اختیار عقد مهادنه از شئون ولایت فقیه به‌شمار می‌رود (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۶۴).

ج) قید مدت

فقهای امامیه بر لزوم تعیین مدت در عقد مهادنه تأکید دارند. محقق حلی در شرایع الإسلام می‌نویسد: «المهادنة وهي المعاهدة على ترك الحرب مدة معينة» و همچنین می‌فرماید: «ولا تجوز أكثر من سنة على قول مشهور». علامه حلی در تذکرة

الفقهاء می‌نویسد: «ویجب ذکر المدة التي يقع عليها الصلح» (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۲۲). امام خامنه‌ای نیز با اشاره به پیمان حدیبیه، تعیین مدت را ضروری می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۴).

در خوانش نظام‌ساز، همان‌گونه که در بخش ۳-۱ و ۳-۲ به تفصیل تبیین شد، قید مدت در سه سطح معنا می‌یابد: در سطح ذاتی، «غیردائم‌بودن» وصف ذات مهاده است؛ در سطح شرط صحت، «تعیین مدت معین» برای جلوگیری از غرر و ابهام ضروری است؛ و در سطح وصف غالب، معمولاً کوتاه‌مدت است. این قید به‌عنوان «ابزاری برای حفظ اختیار عمل دولت اسلامی» و «جلوگیری از تبدیل مهاده به صلح دائم و سازش‌آمیز» تفسیر می‌شود. موقتی بودن مهاده، به دولت اسلامی اجازه می‌دهد که در پایان مدت، با توجه به شرایط جدید، تصمیم‌گیری مجدد کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۵۹-۶۰).

۶. مهاده به‌مثابه قاعده‌ای حکومتی و کاربردهای نوین آن

مهاده به‌مثابه قاعده‌ای حکومتی و کاربردهای نوین آن به شرح زیر است:

۶-۱. مهاده به‌مثابه قاعده‌ای حکومتی

در اندیشه امام خامنه‌ای، تصمیم‌گیری در باب مهاده، از سنخ «احکام حکومتی» است که ولی فقیه بر اساس اختیارات ولایی خود و با در نظر گرفتن مصلحت نظام، آن را صادر می‌کند. از این منظر، مهاده صرفاً یک عقد حقوقی نیست، بلکه «فعل حاکمیتی» است که در چارچوب سیاست خارجی دولت اسلامی معنا می‌یابد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۶۴). ویژگی‌های برجسته خوانش امام خامنه‌ای در این است که: اول: نگاه قاعده‌محور به‌جای عقد‌محور - ایشان مهاده را قاعده‌ای حکومتی در چارچوب اهداف کلان نظام اسلامی تبیین می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۶۴).

دوم: توسعه معیار مصلحت - مصلحت در اندیشه ایشان از سطح جزئی میدان نبرد به سطح کلان نظام اسلامی ارتقا می‌یابد. از مجموع عبارات ایشان چنین استنباط می‌شود که مصلحت در گستره‌ای فراتر از میدان نبرد معنا می‌یابد (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۹-۱۲).



سوم: بسط کارکردهای مهاده - ایشان کارکرد مهاده را به ابزاری برای «مدیریت راهبردی منازعات» و «تنفس راهبردی» گسترش می‌دهند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۵۹-۶۰).

چهارم: تأکید بر عزت و قوت - ایشان با تصریح به اینکه مهاده باید از موضع قوت و عزت باشد، آن را از هرگونه برداشت سازش‌کارانه پیراسته می‌سازند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۱۸).

با این حال، این اختیار مطلق نیست و با قیودی مانند مصلحت ملزمه، قاعده نفی سبیل و قاعده لاضرر محدود می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۲۶ و ص ۴۵).

۲-۶. نسبت مهاده با «نرمش قهرمانانه»

مفهوم «نرمش قهرمانانه» در اندیشه امام خامنه‌ای، یک رویکرد راهبردی در مدیریت منازعات است که با مهاده پیوندی نزدیک دارد. «نرمش قهرمانانه» یک تاکتیک رفتاری در میانه یک نبرد سخت و طولانی است که مبتنی بر قوت، عزت و هوشمندی است و از موضع ضعف صورت نمی‌پذیرد. امام خامنه‌ای با الهام از سیره امام حسن مجتبی (ع)، بر این باورند که در شرایط خاص، پذیرش صلح موقت، نه تنها نشانه ضعف نیست، که مصداق قهرمانانه‌ترین رفتار برای حفظ اساس اسلام است.

بر اساس بیانات ایشان در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در ۲۹ آبان ۱۳۹۲، «نرمش قهرمانانه» به معنای «مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود» است و برخلاف برخی تفاسیر، «به معنای دست برداشتن از آرمان‌ها و هدف‌های نظام اسلامی» نیست. ایشان در تبیین این مفهوم می‌فرمایند: «نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است؛ به معنای این است که سالک راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سمت آرمان‌های گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت می‌کند، به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند برای رسیدن به مقصود.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲ ب)

همچنین ایشان در دیدار فرماندهان سپاه در ۲۶ شهریور ۱۳۹۲ تأکید می‌فرمایند:

«ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی هم نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سالها پیش اسم گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲ الف). این بیانات نشان می‌دهد که نرمش قهرمانانه یک تاکتیک در مسیر راهبرد مقاومت است و هرگز به معنای عقب‌نشینی از اصول نیست.

نسبت مهاده با نرمش قهرمانانه از نوع «عموم و خصوص من وجه» است؛ یعنی هر مهاده‌ای لزوماً نرمش قهرمانانه نیست، اما در جایی که مهاده مبتنی بر قوت و عزت و با تشخیص مصلحت نظام صورت گیرد، می‌تواند مصداقی از نرمش قهرمانانه محسوب شود.

یک مثال عینی از کاربری این مفهوم در روابط بین‌الملل معاصر، رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای است که با حفظ اصول و عزت ملی، در چارچوب مصلحت نظام، به توافقات موقت تن داد. این رویکرد، اگرچه مبتنی بر پذیرش مهاده به معنای فقهی آن نبود، اما نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری هوشمندانه در چارچوب عزت و مقاومت است.

۳-۶. مهاده و راهبرد مقاومت

مفهوم مهاده در اندیشه امام خامنه‌ای، هرگز به معنای تسلیم یا عقب‌نشینی از اصول نیست. ایشان «مقاومت» را به عنوان راهبرد اصلی ترسیم کرده و «نرمش قهرمانانه» را روشی کارآمد در مسیر این راهبرد می‌دانند.

ایشان در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در ۲۵ فروردین ۱۳۹۷، با تأکید بر تداوم راهبرد مقاومت فرمودند: «در مقابل دشمن، «عقب‌نشینی» مشوق دشمن است؛ در مقابل دشمن، «ایستادگی» موجب عقب‌رفت دشمن است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

مهاده در منظومه فکری ایشان، «تنفس راهبردی» برای تقویت بنیه و آمادگی بیشتر است؛ زیرا:



اولاً، مهاده باید از موضع قوت صورت پذیرد. امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «المهاده لابد أن تكون من موقع القوة والعزة، لا من موقع الضعف والذلة» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۱۸).

ثانیاً، مهاده موقت و هدفمند است و به دولت اسلامی اجازه می‌دهد که در پایان مدت، با توجه به شرایط جدید، تصمیم‌گیری مجدد کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۵۹-۶۰). ثالثاً، مهاده در خدمت اهداف کلان نظام اسلامی قرار دارد و هرگاه از این اهداف فاصله بگیرد، مشروعیت خود را از دست می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۹-۱۲). رابعاً، تشخیص اینکه مهاده در چه شرایطی به مقاومت کمک می‌کند و در چه شرایطی به تضعیف آن منجر می‌شود، از اختیارات ولی فقیه است که با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل و پیامدها، تصمیم‌گیری می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲۶۴). بنابراین، مهاده در منظومه فکری امام خامنه‌ای، نه تنها با راهبرد مقاومت در تعارض نیست، بلکه به عنوان ابزاری هوشمندانه برای مدیریت راهبردی منازعات و تقویت بنیه مقاومت در بلندمدت به کار می‌رود.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، با روش اجتهادی - جواهری و با رویکرد تطبیقی - نظام‌ساز، به بازخوانی نهاد مهاده در اندیشه امام خامنه‌ای پرداخته شد. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش به شرح زیر است:

نخست، در تبیین ماهیت مهاده، تفکیک سه‌گانه «ناپایداری (وصف غالب)»، «غیردائمی بودن (وصف ذاتی)» و «مدت‌دار بودن (شرط صحت)» ارائه شد که نشان می‌دهد مهاده عقدی است غیردائم که مدت آن باید به طور مشخص تعیین گردد، هرچند در عمل اغلب کوتاه‌مدت است.

دوم، با ارائه شواهد تطبیقی و مستند در بخش ۲-۴، این ادعا که «در اندیشه امام خامنه‌ای، مهاده از چارچوب صرفاً قراردادی فقه فردی فراتر رفته و در چارچوب فقه حکومتی، به یکی از ابزارهای تصمیم‌گیری راهبردی حکومت اسلامی تبدیل می‌شود» به طور قطعی اثبات شد. این تمایز در سه محور کلیدی «توسعه مصداقی

مصلحت»، «ارتقای کارکرد ولایت» و «بسط کاربردها» با استناد به عبارات صریح فقهای پیشین و امام خامنه‌ای تبیین گردید. نکته‌ی مهم آنکه فقهای پیشین (از جمله محقق حلی، علامه حلی و صاحب جواهر) اگرچه از تعبیر عام و موسعی چون «مصلحت للمسلمین» و «مصلحت الإسلام و المسلمین» استفاده کرده‌اند که ظرفیت توسعه را دارد، اما در مقام تطبیق و تعیین مصداق، مصلحت را صرفاً به امور نظامی (ضعف سپاه، قلت عدد، رجاء اسلام و...) محدود ساخته‌اند. در مقابل، امام خامنه‌ای با توسعه مصداقی و با تصریح به مصادیقی چون «مدیریت افکار عمومی» و «فراهم‌سازی زمینه‌های دیپلماتیک» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ص ۱۰ و ۱۲)، مصلحت را به تمام عرصه‌های حکمرانی (سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و بین‌المللی) تعمیم داده و آن را در گستره کلان نظام اسلامی تعریف کرده‌اند.

سوم، بر پایه اطلاق آیات و سیره‌ی قطعی نبوی در پیمان حدیبیه، مهاده با هرگونه دشمن جنگی جایز است، مشروط به وجود مصلحت نظام اسلامی به تشخیص ولی‌امر.

چهارم، در اندیشه امام خامنه‌ای، مهاده یک عمل حاکمیتی و از اختیارات ولی فقیه است که با تأکید بر قاعده «نفی سبیل» و لزوم انجام آن از موضع قوت و عزت، هرگونه مهاده از موضع ضعف و ذلت را مردود می‌دانند.

نهایتاً، این مقاله برای اولین بار با رویکرد تطبیقی-مستند، توسعه مصداقی مصلحت و ارتقای کارکرد ولایت در اندیشه امام خامنه‌ای را اثبات نموده است. نوآوری مقاله در ارائه چارچوبی تحلیلی-تطبیقی برای کاربرست مهاده در مدیریت راهبردی منازعات معاصر است که از دل فقه جواهری و با تکیه بر آرای امام خامنه‌ای استخراج شده است. امام خامنه‌ای با توسعه مصداقی مفهوم مصلحت و ارتقای کارکرد ولایت از شرط صحت به مرجعیت راهبردی، مهاده را از یک عقد فقهی محدود به میدان نبرد، به قاعده‌ای حکومتی و ابزاری راهبردی در مدیریت روابط بین‌الملل ارتقا داده‌اند که نشان‌دهنده پویایی و کارآمدی فقه امامیه در پاسخگویی به نیازهای عصر حاضر است.



پیشنهادهای

۱. مدل‌سازی فرآیند مهادنه: تدوین مدلی جامع برای فرآیند تصمیم‌گیری در باب مهادنه، شامل مراحل تشخیص مصلحت، مشورت با کارشناسان، انعقاد، نظارت بر اجرا و ارزیابی پیامدها.
۲. تبیین خطوط قرمز نظام اسلامی: تبیین خطوط قرمز در مهادنه با دشمنان در جنگ اقتصادی و تحریم‌ها، از جمله عدم پذیرش مطالبات غیرمنطقی، حفظ استقلال اقتصادی، و عدم عقب‌نشینی از مواضع اصولی.
۳. شناسایی خطوط انحرافی: شناسایی و تبیین خطوط انحرافی در مذاکرات (همچون اعتماد بیش از حد به دشمن، پذیرش شروط تحقیرآمیز، و غفلت از اهداف کلان نظام) بر اساس منظومه فکری امام خامنه‌ای.
۴. اخذ تضمین‌های وثیق: رعایت جانب احتیاط در مهادنه و اخذ تضمین‌های وثیق و مکانیسم‌های راستی‌آزمایی در قرارداد صلح بر اساس قاعده لاضرر.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۶). ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام).
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۴ق). لسان العرب، بیروت: دارالمعرفة.
۴. ابوالحسنینی، علی اکبر (۱۳۸۹). «دلایل مشروعیت قرارداد ترک مخاصمه (هذنه)». فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ش ۲۱، ص ۱۱-۳۲.
۵. حق جو، عبدالحجت (۱۴۰۴). «مفهوم، شروط و محدودیت های عقد هذنه در فقه امامیه». فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۱۳۱، ص ۶۱-۸۴.
۶. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). تذکرة الفقهاء (ج ۹). قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۷. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۷۶). «مهادنه (قرارداد ترک مخاصمه و آتش بس)». فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۳-۱۲۰.
۸. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۲الف). بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲/۶/۲۶. بازیابی شده از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۰۳۳>
۹. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۲ب). بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹. بازیابی شده از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۴۵۵۲>
۱۰. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۶). ثلاث رسائل فی الجهاد. تهران: انتشارات فقه روز.
۱۱. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۷/۱/۲۵. بازیابی شده از: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۹۳۹۴>
۱۲. رضائیا، مهدی (۱۳۹۴). بررسی فقهی عقد مهادنه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
۱۳. سلطانی، رضا (۱۳۹۱). پژوهشی در مهادنه (ترک مخاصمه) از دیدگاه اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۴. طباطبایی، سید علی بن محمد علی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل (ج ۸). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق). المبسوط فی فقه الإمامیه (ج ۲). تهران: المكتبة المرتضویة.
۱۶. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۰۵ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام (ج ۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین (ج ۴). قم: نشر هجرت.
۱۸. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۲ق). كشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ج ۴). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۹. کریمی، احمد (۱۳۹۲). توافق آتش بس در حقوق بین الملل از منظر فقه اسلامی، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.
۲۰. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام (ج ۱). قم: مؤسسه



مطبوعات اسماعیلیان.

۲۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۵). «هذه در فقه و حقوق بین‌الملل». در: مجموعه مقالات فقه و حقوق بین‌الملل، ج ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ص ۱۵۳-۱۷۸.
۲۲. مهدوی، سکینه (۱۳۹۵). احکام شروط و قلمرو عقد مهاده، رساله سطح سه، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران قم.
۲۳. موسوی، محمد صادق (۱۳۹۳). قرار داد آتش بس از منظر فقه اسلامی، پایان‌نامه سطح چهار، مرکز تخصصی فقه.
۲۴. موسویان، سید ابوالقاسم (۱۴۰۱). «فقه نظام‌ساز؛ چیستی، مبانی و کارکردها». مجله فقه حکومتی، ۹ (۱۷)، ص ۴۰-۶۵.
۲۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ۲۱). بیروت: دار إحياء التراث.
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة (ج ۱۷). قم: مؤسسه آل البيت (ع).

